

پاسخ به شبہ: من فقط قران را قبول دارم!



محمد تقی صرفی پور



من فقط قران را قبول دارم!

شاید شما هم شنیده باشید که افرادی هستند مخصوصا از طبقه روشنفکران که ادعای مسلمانی دارند ولی می گویند ما فقط قران را قبول داریم! ولی امامان را قبول نداریم. پیامبر و علی علیهما السلام را قبول نداریم. روایات را قبول نداریم. امام زمان را قبول نداریم! احکام شرعی در رساله مراجع تقلید را قبول نداریم! نماز و روزه هم قبول نداریم... و.....

در پاسخ این افراد می گوییم که ما امامان را از همین قران ثابت می کنیم. امام زمان علیه السلام را از همین قران ثابت می کنیم.. احکام شرعی را از همین قران ثابت می کنیم.

1- خداوند در قران فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ (النساء: ۵۹)

ترجمه آیه:

(ای کسانی که ایمان آورده اید اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیغمبر و اولی الامر از خودتان را). این آیه به ما می گوید باید علاوه از خدا، از پیامبر هم اطاعت کنیم. پس باید ببینیم پیامبر ما چه فرموده باید به حرفهایش گوش کنیم. در نتیجه اطاعت از پیامبر بر همه مسلمانان واجب است.

در آیات دیگر فرموده اند که پیامبر جز وحی چیز دیگر نمی گوید. و همه حرفهای پیامبر وحی الهی است. یعنی پیامبر از خودش چیزی نمی گوید و هر آنچه می فرماید دستور الهی است.

مهم ترین مطلبی که پیامبر بارها در بیاناتشان فرموده اند درباره ولایت حضرت علی و امامان بعد ایشان علیهم السلام می باشد.. مخصوصا در روز عید غدیر. که فرود:

من کنت مولاه فهذا علی مولاه.

پس اگر کسی قرآن را قبول دارد باید ولایت امامان دوازده گانه را هم قبول کند والا اگر قبول نکند معلوم است قرآن را هم قبول ندارد.

نام علی در قرآن آمده است:

و اما نام مبارک حضرت علی (ع) در قرآن، پس گوش بنما: حضرت ابراهیم (ع)، در سوره شعرا، آیه 84، دعایی میخوانند به این مزمون: **وَاجْعَلْ لِّي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ** یعنی: در آیندگان، یک لسان صدق برای من قرار بده. خداوند متعال، دعای حضرت ابراهیم (ع) را مستجاب میفرماید، و در سوره مریم، آیه 50 میفرمایند: **(خِیلِی زَبِیَاسْت) وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِّن رَّحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِیًّا!!!!!!** و از رحمت خویش به آنان ارزانی داشتیم، و برای آنها (علی) را لسان صدق قرار دادیم!!!! و اما سند، یکی از برادران اهل سنت میاورم، و یکی از شیعه. اما فقط همین دو سند نیست، بالغ بر 10 سند معتبر هم از برادران اهل سنت و هم شیعه موجود است، که اگر خواستی با اندکی تحقیق می توانی به سایر سندها رجوع بنمایی. سند برادران اهل سنت: حاکم حسانی (از علمای حنفی متوفی 490) از عبدالرحمن بزاز (متوفی 468) از هلال بن محمد حفار (از علمای اهل سنت متوفی 414) از ابوالقاسم اسماعیل خزاعی از پدرش علی خزاعی (برادر دعبل خزاعی، شاعر معروف) از امام رضا علیه السلام از پدرش (امام کاظم علیه السلام) از پدرش (امام صادق علیه السلام) از پدرش (امام باقر علیه السلام) از پدرش (امام سجاد علیه السلام) از پدرش (امام حسین علیه السلام) از پدرش علی بن ابی طالب علیه السلام نقل می کند که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: در شب معراج در حالی که جبرئیل مرا بر جناح راست خود سوار کرده بود، به من گفته شد «چه کسی را جانشین خود بر اهل زمین قرار داده ای» گفتم: بهترین اهل زمین اهلیت آن را دارد، علی بن ابی طالب که برادرم، دوستم و دامادم و پسرعمویم است. به من گفته شد: «ای محمد! آیا دوستش داری؟» گفتم: «بله ای پروردگار عالمین»؛ خدایم گفت: «دوستش بدار و به امت دستور بده که دوستش بدارند. من که علیُّ اَعْلٰی (بلندمرتبه ترین بلندمرتبه) هستم نام او را از

نامهای خود اخذ کردم و او را «علی» نامیدم. پس جبرئیل آمد و گفت: خداوند بر تو سلام می‌دهد و می‌گوید: «بخوان» گفتیم: «چه بخوانم؟» گفت بخوان: «وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا، وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا» سند شیعه: شیخ صدوق (محمد بن علی بن بابویه قمی، متوفی 381) در چند کتاب خود (خصال، ج 1، ص 307؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج 1، ص: 139؛ معانی الاخبار، ص 129) با سند صحیح از ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که: «وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا يَغْنِي بِهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع لَأَنَّ إِبْرَاهِيمَ قَدْ كَانَ دَعَا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَجْعَلَ لَهُ لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ فَجَعَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَهُ وَلِإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا. امام صادق (ع) فرمود: «مقصود از وَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا، علی بن ابی طالب (ع) است؛ زیرا ابراهیم از پروردگار خواسته بود که برایش در میان اقوامی که آینده می‌آیند؛ زبان راستگویی قرار دهد و خدای تبارک و تعالی برای او و اسحاق و یعقوب، زبان راستگویی چون علی (ع) قرار داده است.

همچنین قرآن بارها درباره نماز بصورت کلی دستور داده است ولی کیفیت خواندن نماز هارا بیان نفرموده است.، پیامبر و امامان علیهم السلام جزییات خواندن نماز هارا به ما یاد داده اند.مخصوصا نمازهای یومیه را که مثلا نماز صبح دو رکعت است و در هر رکعت چه باید بخوانیم . پس هر که قرآن را قبول دارد باید نماز را هم قبول کند.و در کیفیت خواندن نماز ها به روایات معصومین علیهم السلام مراجعه نماید.و چاره ای جز این نیست.

ما نمی توانیم از چهارده معصوم بی نیاز باشیم. ما در همه مسائل دین و زندگیمان نیازمند بیانات اهل بیت علیهم السلام هستیم.

تمامی احکامی که قرآن کریم بصورت کلی بیان فرموده در اجرای آن نیازمند پیامبر و امامان علیهم السلام هستیم. و هر کسی پیامبر و اهل بیت را رها کند نمی تواند به قرآن عمل نماید. همانگونه که پیامبر خدا فرمود

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي مَا إِنِ تَمَسَّكْتُمُ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا أَبَدًا وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ¹

همانا من دو چیز گرانبها را در میان شما باقی می گذارم، کتاب خدا و اهل بیت را، تا زمانی که به این دو چیز گرانبها تمسک کنید گمراه نخواهید شد، این دو از یکدیگر جدا نخواهند شد تا اینکه روز قیامت در کنار حوض کوثر نزد من برگردند.

توضیح روایت:

1. اهل بیت (ع) در کنار قرآن قرار دارند. در نقلهای مکرری که از این حدیث شده است پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي مَا إِنِ تَمَسَّكْتُمُ بِهِمَا» و این دو ثقل را روایت کرده اند. گاهی فرمودند ثقل اکبر قرآن است و ثقل اصغر اهل بیت من هستند. گاهی بدون ذکر این نکته فرمودند که دو ثقل، دو امر با عظمت و گرانبها را در میان شما باقی می گذارم.

2. به ما امر کردند که به هر دو تمسک کنیم؛ فرمودند: مادامی که به هر دو تمسک کنید گمراه نمی شوید پس باید به هر دو تمسک کرد.

3. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: در صورتی گمراه نمی شوید که به هر دو تمسک کنید «مَا إِنِ تَمَسَّكْتُمُ بِهِمَا» پس اگر کسی به یکی از این امر بزرگ تمسک کرد و ارتباط برقرار کرد و با دومی ارتباط برقرار نکرد گمراه خواهد شد، چرا که عدم ضلالت او را پیامبر اکرم (ص) تضمین نکردند. اگر کسی به قرآن تمسک کند و عترت را رها کند ممکن است گمراه شود و اگر کسی تنها به عترت تمسک

کند و قرآن را رها کند تضمینی نیست که چنین شخصی به گمراهی و اشتباه دچار نشود. «مَا إِنْ
«تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا».

4. عترت و قرآن تا قیامت در کنار یکدیگر هستند؛ فرمودند: این دو ثقل از هم جدا نمی‌شوند تا در
حوض بر من وارد شوند.

5. از حدیث ثقلین، عصمت اهل بیت (ع) معلوم می‌شود، چرا که رسول خدا (ص) فرمودند به این دو
چیز گرانبها تمسک کنید، و هیچ قید و شرطی برای تمسک کردن بیان نکردند. اگر اهل بیت (ع)
مقام عصمت نداشتند، باید می‌فرمودند تا زمانی که خطا و اشتباهی نکردند به ایشان تمسک کنید.
چنانچه وقتی قرآن فرمان به اطاعت از رسول اکرم (ص) می‌دهد و هیچ قیدی بیان نمی‌کند، معلوم
می‌شود رسول اکرم (ص) معصوم از خطا هستند، چرا که اگر معصوم نبودند لازم بود خداوند قیدی
را بیان کند، مانند واجب بودن اطاعت از پدر در اموری که گناه نیست؛ یعنی اطاعت از پدر مقید به
اموری است که حرام نباشد.

6. از این حدیث استفاده می‌شود که اهل بیت (ع) از جانب خدا به قرآن علم کامل داشتند. خود ائمه
هدی (ع) می‌فرمودند ما هر چه می‌گوییم از قرآن می‌گوییم، منتها قرآن یک ظاهر دارد که در اختیار
ما است و برای ما حجت است؛ نهان و باطنی هم دارد که آن نهان و باطن در اختیار 14 نور عصمت و
طهارت (ع) است، این دو با همدیگر امت اسلامی را از هر جهت تأمین می‌کنند، از جهت قانون،
مقررات، بیان احکام و عبادات. با این حساب اهل بیت (ع) باید به همه قرآن عالم باشند. البته ما
ظواهر قرآن را با تدبر می‌فهمیم، لکن قرآن متنی است که پایان ندارد و عترت رسول الله (ص) و خود
آن حضرت همه قرآن را با تمام حقایق ظاهر و باطن می‌شناسند و ایشان مبین و مفسر قرآن هستند.

این حدیث جایگاه عترت را مشخص می‌کند و معلوم است چنین افرادی می‌توانند امام امت اسلامی
باشند. همچنان که از آیه ششم سوره احزاب برداشت می‌شود که هیچ کس جز فردی از خاندان
پیامبر اکرم (ص) نمی‌تواند ولی جامعه باشد.

اری قران و اهل بیت هرگز از هم جدا نمی شوند تا زمانی که روز قیامت شود و در کنار حوض کوثر بر رسول خدا وارد شوند.

قرآن کتابی است که اگر تفسیر امام معصوم در کنارش قرار نگیرد درک کلام آن سخت دشوار و . عمدتا غیر قابل فهم برای بشر خاکی است. دلیل این مدعا هم همان شعار خلیفه ثانی است که در ابتدای خلافتش گفت: حسبنا کتاب الله و در انتهای خلافت و در بستر مرگش به آیه 23 از سوره مبارکه مریم استناد کرد و گفت: «... یا لیتنی مت قبل هذا و کنت نسیا منسیا»... ایکاش پیش از اینها مرده بودم و فراموش شده بودم. این یک نمونه از اعمال و فهم قرآن بدون ولایت است و دهها و بلکه صدها نمونه از ایندست خاصه در عهد خلفای سه گانه و رهروان آنها نظیر بنی امیه و بنی عباس و امثالهم موجود است

سوال

یکی از دوستانم در حال تهیه تحقیقی در قرآن است و می گوید که: قرآن خودش کافی است و احتیاجی نه به حدیث است و نه به امام. و همچنین می گوید که: تنها وظیفه پیامبر، رساندن قرآن بوده است و او مسئول توضیح آن نبوده است.

پاسخ

بعضی از مسائل بسیار واضح هستند و بیان و شرح آنان توضیح واضحات است. از آن دوست عزیز پرسید آیا شما نماز می خوانید یا نه؟ اگر بگویند نه معلوم می شود به قرآن عمل نمی کند و اگر می گویند بلی بگویید چطور نماز می خوانید، رکوع و سجده و قیام و تشهد و سلام دارد یا شیر بی دم و سر و شکم است؟ نماز را در چند وقت می خوانید؟ و هر نماز چند رکعت است؟ مثلاً نماز ظهر چند رکعت و نماز عصر و صبح هر کدام چند رکعت هستند؟ فکر می کنید پاسخ او چه خواهد بود؟ در هر صورت از او پرسید که آیا قرآن گفته است نماز صبح چند رکعت است؟ یا مغرب و عشاء چند رکعت هستند و دیگر شرائط نماز و اجزاء آن؟ از او پرسید آیا سگ نجس است یا پاک؟ بعد بگویید این حکم را از کجای قرآن بدست آورده اید؟ بلی قرآن اصول کلی نیاز بشر را بیان فرموده است و تفسیر و بیان آن در روایت و حدیث پیامبر (ص) و ائمه آمده است مثلاً قرآن می فرماید: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا» [1] یعنی زن و مرد دزد را دستهایشان را قطع کنید، ولی نگفته است از کجای دست باید قطع شود و این حدیث است که حدود آن را مشخص می کند، مثال در این زمینه فراوان است.

قرآن مجید در بسیاری از موارد اطاعت خداوند و پیامبر را با هم آورده است که اطاعت از خدا اطاعت از قرآن و اطاعت از رسول اطاعت از دستورات و اوامر پیامبر اکرم (ص) می باشد و همینگونه ایمان آوردن به خداوند و به پیامبر را همراه هم آورده است در سوره تغابن آیه 12 فرموده است: «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ» از خدا و از پیامبرش اطاعت کنید و فعل (اطیعوا) اطاعت کنید را تکرار نموده است.

در سوره محمد (ص) آیه 33 فرموده است: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ لَا تَبْطُلُوا أَعْمَالَكُمْ» از خدا و از پیامبرش اطاعت کنید و اعمال خود را باطل نکنید.

در سوره نساء آیه 59 فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ» خدا و پیامبر و اولی الامر (ائمه علیهم السلام) را اطاعت کنید.

در سوره انفال آیه 24 فرمود: «اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» اجابت کنید برای خدا و برای پیامبر هنگامی که می خوانند شما را بسوی آن چیزی که شما را زنده می کند و حیات (معنوی و انسانی) می بخشد.

و صریحتر از همه اینان در سوره مبارکه حشر آیه 7 فرمود: «وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» آن چه رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید) و از آنچه نهی کرده است خودداری نمائید.

در سوره نحل آیه 43 و انبیاء آیه 7 می فرماید: «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» از اهل ذکر (پیامبر و ائمه) سؤال کنید اگر نمی دانید (اگر چیزی نمی دانید از اینها سؤال کنید).¹

¹ hawzah.net/fa/Question/View/7419

آیا قرآن برای هدایت کافی نیست؟

نکته: همیشه باید توجه داشت که نه تنها در بحث های پیرامون عقاید اسلامی، بلکه در هر مقوله ای، ابتدا مدعی باید دلایل و شواهد خود را اقامه نماید. و اگر سخن از اسلام می گوید: دلایل عقلی و نقلی (از قرآن و حدیث) ارائه نماید، نه اینکه هر گوینده ای هرچه خواست بگوید و آن را به خدا، قرآن و اسلام نیز نسبت دهد، سپس بگوید: هر کس قبول ندارد، دلایلی بر رد آنها اقامه نماید!

هیچ عقل، منطق و محکمه ای سخن مدعی را سند قرار نمی دهد تا بر اساس آن از متهم دلیل برائت بخواهد. بلکه ابتدا از مدعی دلایل و شواهدش را مطالبه می نمایند. لذا ما سؤال می کنیم که در کجای قرآن کریم آمده است که کتاب را از رسول خدا (ص) بگیری و بعد او را کنار گذاشته و بگویی که کتاب خدا برای ما کافیست و خودمان بهتر می فهمیم؟!

ب - دلایل عقلی:

ابتدا دقت نماییم که دلایل نقلی از قرآن و حدیث عین دلایل عقلی است و نباید بین این دو تفکیک قائل شد. این وحی است که چراغ عقل است و این عقل است که توحید، نبوت، و معاد را تصدیق می کند.

باید از معتقدین به کفایت رجوع مستقیم به قرآن کریم پرسید: آیا شما که مدعی هستید کتاب خدا کافیست، فقط مسلمانان را از رجوع به پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) منع می کنید، یا این حکم شما عمومیت دارد و کتاب برای همگان کافیست و حتی رجوع به شما و پذیرش گفتار شما نیز لزومی ندارد؟

اگر بگویند: کتاب برای هر کسی کافیست! در این صورت هرج و مرج (آنارشیزم) نظری، فکری و اعتقادی و بالتبع عملی پیش می‌آید و چیزی به عنوان هادی و هدایت باقی نمی‌ماند و هر کسی فهم خود را به نام دین بیان داشته و یا مطابق فهم خود رفتار می‌نماید و آنرا به قرآن نسبت خواهد داد.

و اگر بگویند: خیر، بلکه باید به علمای مارجوع کنند!

آن وقت پرسیده می‌شود: مگر مدعی نشدید که کتاب خدا برای رجوع کافی است؟ و اگر کافی نیست، پس چرا آورنده کتاب و آگاهان به کتاب را رها کرده و تسلیم نظر شما شویم؟

بلکه به آورنده کتاب و معادن علم و وحی رجوع می‌کنیم؟ و خداوند خود می‌فرماید انبیا و رسولان را برای تهذیب نفس، تلاوت آیات و تعلیم کتاب و حکمت فرستادم:

« لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَ إِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ » (آل عمران، ۱۶۴)

ترجمه: به یقین خدا بر مؤمنان منت نهاد [که] پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت تا آیات خود را بر ایشان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

دقت فرمائید که اساساً باور، قبول و ایمان به نبی و رسول (ص) قبل و اولی بر کتابش می‌باشد. چرا که کتاب از او گرفته می‌شود. مگر کتاب به خودشان نازل شده که می‌گویند همین کتاب کافی است؟ بالاخره اگر مدعی شوند که کتاب را از رسول او آموختند نیز دال بر ضرورت رجوع به ایشان است. مضافاً بر این که اگر کتاب به تنهایی کافی بود الآن می‌باید همه، عالم، عامل، عادل، متقی و مؤمن می‌شدند. پس چرا این کتاب حتی مدعیان به کافی بودن آن را هدایت نکرده است؟ اگر کتاب کافی بود، پس چرا این همه مذاهب با اختلافات اصولی و فروعی به وجود آمده است، مگر همه به یک کتاب رجوع واستناد

نمی‌کنند؟ و اساساً اگر کتاب کافی بود، چرا پس از گذشت ۲۰۰ سال وهابیت پدید می‌آید و مدعی می‌شود که فقط ما اسلام و قرآن را می‌فهمیم؟

ب - دلایل قرآنی :

و اما اگر فقط به قرآن نیز اکتفا شود، باید توجه کرد که به حکم خداوند متعال در قرآن کریم، چاره‌ای جز رجوع به اهل عصمت (ع) نیست:

الف - قرآن کریم به تنهایی نازل نشده است:

خداوند متعال در قرآن کریم فرمود که من «قرآن کریم» را به تنهایی نازل کرده‌ام. پس کتاب نیز به تنهایی برای هدایت شما کافی است. بلکه فرمود سه رکن نازل کرده‌ام که عبارتند از :

رسول، کتاب و میزان.

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ...» (الحديد، ۲۵)

ترجمه: به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و میزان (ترازو) را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند نکته:

* - لازم به دقت است که خداوند متعال فرمود:

رسول را فرستادم (با دلایل عقلی، معجزات و بینه‌های روشن) و به همراه او کتاب نازل کردم و نه بالعکس.

* - اهل سنت مدعی هستند که منظور از «میزان» که همراه رسول (ص) نازل شده است، همان کتاب می‌باشد، در حالی که می‌دانند که «کتاب» یک بار قید شد و این مثل این می‌ماند که گفته شود «کتاب و کتاب» فرستادم که معنا ندارد. و یا اگر کتاب برای خودش میزان باشد دور پیش می‌آید، پس میزان (الگو) حتماً غیر از کتاب است.

* - به همین دلیل پیامبر اکرم (ص) بهنگام نزدیکی رحلت خود فرمودند:

[از این سه رکن نازل شده] من از میان شما می‌روم و دو رکن سنگین دیگر را برای شما باقی می‌گذارم که عبارتند از کتاب و اهل بیت (ع).

ب - پیامبر اکرم (ص) فقط یک پستی نبوده است، بلکه برای اطاعت فرستاده شده است: این ادعا که بگویند «کتاب خدا برای ما کافیست»، در اساس ضد توحید و نیز اهانت به حکمت الهی و ساحت مقدس رسول خداست. گویا [العیاذ بالله] ایشان فقط یک پستی بوده که مأموریت داشته کتابی را به دست ما برساند. لذا پس از دریافت دیگر نیازی به آورنده نیست و خودمان می‌دانیم که چه کنیم؟ از این رو خداوند متعال و حکیم در پیش از ۲۵۰ آیه از آیات قرآن کریم تصریح فرده است که خداوند پیامبر اعظم (ص) را برای تعلیم کتاب و نیز الگو قرار گرفتن فرستاده است و پیامبر و حتی تمام رسولان را مگر جز برای اطاعت نفرستاده است :

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا»
(الاحزاب، ۲۱)

ترجمه: قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سر مشقی نیکوست، برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند.

«وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا» (النساء، ۶۴)

ترجمه: و ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر آنکه به توفیق الهی از او اطاعت کنند و اگر آنان وقتی به خود ستم کرده بودند پیش تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیامبر [نیز] برای آنان طلب آمرزش می‌کرد قطعاً خدا را توبه پذیر مهربان می‌یافتند.

ج - اطاعت از الله جل جلاله و کلامش (قرآن) در اطاعت از پیامبر متجلی می‌گردد: بندگی و اطاعت از خداوند متعال نه شعر و شعار است و نه اوهام و خیال، تا هر کس هر طوری خواست انجام دهد و انتظار هدایت و فلاح نیز داشته باشد. بلکه هم چنان که کلام و هدایت الهی در رسول و وحی تجلی بیرونی داشته است، عبادت و اطاعت از خدا نیز تجلی

در اطاعت از رسول خدا و بالتَّبَع اهلبيت عصمت(ع) دارد. لذا مکرر فرمود که : اطاعت او، اطاعت خداوند است و باید از او اطاعت کنید.

«قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَحِبُّ الْكَافِرِينَ» (آل عمران، ۳۲)

ترجمه: بگو خدا و پیامبر [او] را اطاعت کنید پس اگر رویگردان شدند قطعاً خداوند کافران را دوست ندارد.

(النساء: ۸۰) مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظًا

ترجمه: هر که رسول را اطاعت کند خدا را اطاعت کرده، و هر که مخالفت کند (کیفر مخالفتش با خداست و) ما تو را به نگهبانی آنها نفرستاده‌ایم.

«وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا * ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ عَلِيمًا» (النساء، ۶۹ و ۷۹)

ترجمه: و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند در زمره کسانی خواهند بود که خدا ایشان را گرامی داشته [یعنی] با پیامبران و راستان و شهیدان و شایستگانند و آنان چه نیکو

همدمانند * این تفضل از جانب خداست و خدا بس داناست (علم او کفایت دارد).

آیا وهابیت معتقد است که خداوند برای یک عده عرب در ۱۴۰۰ سال پیش، انسان کامل

و اشرف مخلوقات را به عنوان هادی و الگو و رهبر فرستاده و مابقی را محروم نموده و

هدایت سایرین را منوط به اطاعت از یک مشیت وهابی بی‌خرد، جاهل و عنود نموده است؟

یا آن که بیان و عمل رسول خدا، سنت و سیره‌ی ایشان، علم و تعلیم ایشان، برای همگان و همیشه است؟

د - اگر در فهم قرآن اختلاف کردیم [که کرده‌ایم] چه کنیم؟

همین که اختلافی پیش می‌آید، دال بر آن است که کتاب به تنهایی کافی نمی‌باشد. اما

سؤال این است که به هنگام بروز اختلاف چه باید کرد؟ حکم را باید به وهابی‌ها ارجاع

دهیم یا به رسول خدا(ص)؟ خداوند متعال می‌فرماید که حتماً در اختلافات به رسول خدا

مراجعه کنید و البته عقل نیز همین تصدیق را دارد:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا»
(النساء، ۵۹)

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید پس هر گاه در امری [دینی] اختلاف نظر یافتید اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او] عرضه بدارید این بهتر و نیک‌فرجام‌تر است.

نتیجه: پس آنان که مدعی کفایت کتاب خدا هستند، کافی است دست کم همین چند آیه را بخوانند که حتی حکم به ظاهر آیات نیز برای فهم ضرورت رجوع به رسول الله (ص) را کفایت می‌نماید. مگر اینکه با خدا، اسلام، پیامبر عظیم‌الشأن (ص) و قرآن کریم عنادی داشته باشند. که دارند.

«النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا» (الأحزاب، ۶)

ترجمه: پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر [و نزدیکتر] است و همسرانش مادران ایشانند و خویشاوندان [طبق] کتاب خدا بعضی [نسبت] به بعضی اولویت دارند [و] بر مؤمنان و مهاجران [مقدمند] مگر آنکه بخواهید به دوستان [مؤمن] خود [وصیت یا] احسانی کنید و این در کتاب [خدا] نگاشته شده است.

خداوند در آیات کریمه قرآن می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ (۱۰) صَفَّ

ترجمه: ای اهل ایمان، آیا شما را به تجارتی سودمند که شما را از عذاب

دردناک (آخرت) نجات بخشد دلالت کنم؟ (۱۰)

تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۱) صَفَّ

ترجمه: به خدا و رسول او ایمان آرید و به مال و جان در راه خدا جهاد کنید، که این کار (از هر تجارت) اگر دانا باشید برای شما بهتر است. (۱۱) صَفَّ^۲

^۲ <https://armanemahdaviyat.ir/?p=264>

آیا قرآن برای مسلمین کافی است؟

پاسخ به شبهه ای در جهت ارتباط بین امامت و قرآن

برخی قائلند که قرآن کریم، نیازی به امام و احادیث صادره از امام ندارد. از آن رو می گویند: خداوند متعال رسول خود را تنها به ابلاغ آیات قرآن مأمور کرد و او را موظف به تبیین آیات قرآن نکرده است. این شبهه شبهه ای است که از سوی روشنفکران و همچنین از سوی اهل سنت نیز مطرح شده است. برای همین در این وجیزه سعی نموده ایم به این شبهه پاسخ بدهیم.

در این متن می خوانید:

1. عدم تصریح جزئیات و مسائل احکام

2. مقارنت اطاعت خدا و اطاعت از رسول خدا صلی الله علیه و آله

عدم تصریح جزئیات و مسائل احکام

بعضی از مسائل، بسیار واضح هستند و بیان و شرح آنان توضیح واضحات است. از این رو باید از منکرین حدیث پرسیم: آیا شما نماز می خوانید یا نه؟ اگر بگویند نه معلوم می شود به قرآن عمل نمی کند و اگر شخص بگوید: بلی؛ باید مطرح شود: چطور نماز می خوانید؟ رکوع و سجده و قیام و تشهد و سلام دارد یا شیر بی دم و سر و شکم است؟ نماز را در چند وقت می خوانید؟ و هر نماز چند رکعت است؟ مثلاً نماز ظهر چند رکعت و نماز عصر و صبح هر کدام چند رکعت هستند؟ فکر می کنید پاسخ او چه خواهد بود؟

در هر صورت باید پرسیده شود که تعداد رکعات نماز صبح چه طور از قرآن استخراج می شود؟! یا مثلاً از آن روشنفکر پرسیده شود: آیا سگ نجس است یا پاک؟ بعد بگویید این حکم را از کجای قرآن بدست آورده اید؟

بلی قرآن اصول کلی نیاز بشر را بیان فرموده است و تفسیر و بیان آن در روایت و حدیث پیامبر (ص) و ائمه آمده است؛ مثلاً قرآن می‌فرماید: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ، فَاقْطَعُوا»؛ یعنی زن و مرد دزد را دستهایشان را قطع کنید، ولی نگفته است از کجای [۱] «أَيْدِيَهُمَا» دست باید قطع شود و این حدیث است که حدود آن را مشخص می‌کند، مثال در این زمینه فراوان است.

مقارنت اطاعت خدا و اطاعت از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله

قرآن مجید در بسیاری از موارد، اطاعت خداوند و پیامبر را با هم آورده است که اطاعت از خدا، اطاعت از قرآن و اطاعت از رسول، اطاعت از دستورات و اوامر پیامبر اکرم (ص) می‌باشد؛ بنابراین ایمان آوردن به خداوند و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را همراه هم آورده است؛ چنانچه در سوره تغابن آیه ۱۲ اطاعت رسول، ر کنار اطاعت خداوند ذکر شده همچنین خداوند متعال در آیه ۳۳ سوره محمد، اطاعت رسول در کنار اطاعت از [۲] است خدا ذکر شده است و نیز خطاب به مسلمین امر شده است که اعمال خود را تباه و نیز در آیه ۵۹ سوره نساء، اطاعت اولی الامر و رسول خدا، در کنار اطاعت از [۳] نسازید و نیز در آیه ۲۴ سوره انفال، لزوم اجابت رسول، در کنار [۴] الله جل جلاله آمده است [۵] اجابت خداوند آمده است.

صریح تر از همه این آیات، در سوره مبارکه حشر بیان شده است؛ در آیه هفتم این سوره خداوند متعال به مسلمین امر نموده است که به تمام دستورات رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و باز در آیه ۴۳ سوره [۶] پایبند باشید و از تمام چیزهایی که نهی کرده است، دور شوید نحل و نیز آیه ۷ سوره انبیاء به مسلمین خطاب شده است که سوالات خود را از اهل ذکر، [۷] پرسید.

خلاصه آنکه آیات قرآن، به لزوم تمسک و پابندی به دستورات شریف رسول خدا و جانشینان طاهرینش علیهم السلام، تأکید بسزایی دارد و سراسر قرآن مضمون حدیث

ثقلین را تأکید می کند. یعنی قرآن و حدیث، از هم جداشدنی نیستند و اساس دستورات دین اسلام را تشکیل می دهند.

: برای اطلاعات بیشتر به

انفال، آیه ۱، اعراف، آیه ۱۵۸، انفال، آیه ۲۰، انفال، آیه ۴۶، نور، آیه ۵۲، احزاب، آیه ۳۶، احزاب، آیه ۷۱، فتح، آیه ۹، حدید، آیه ۲۸-۷، حجرات، آیه ۱-۱۴-۱۵، مجادله، آیه ۴-۵-۱۳-۲۰، تغابن، آیه ۸، جن، آیه ۲۳، مراجعه کنید

1.سوره مائده آیه ۳۸

2.

وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ (از خدا و از پیامبرش اطاعت کنید و فعل (اطیعوا) اطاعت « .
(کنید را تکرار نموده است)

3.

أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ لَا تَبْطُلُوا أَعْمَالَكُمْ (از خدا و از پیامبرش اطاعت کنید و « .
(اعمال خود را باطل نکنید)

4.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ (خدا و پیامبر و اولی «
(الأمر) (ائمه عليهم السلام) را اطاعت کنید

5.

اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ (اجابت کنید برای خدا و برای پیامبر «
هنگامی که می خوانند شما را بسوی آن چیزی که شما را زنده می کند و حیات (معنوی و انسانی) می بخشد

6.)

وَمَا آتَاكُم الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (آن چه رسول خدا برای شما آورده «
(بگیرید (و اجرا کنید) و از آنچه نهی کرده است خودداری نمائید
.7

فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (از اهل ذکر (پیامبر و ائمه) سؤال کنید اگر «
(نمی دانید) (اگر چیزی نمی دانید از اینها سؤال کنید^۳

³ <http://thaqalain.ir/>

